

خواب و رویا (قسمت دوم)

حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه)

صد و شصت و دوم

فهرست

جزوه صد و شصت و دوم

درباره‌ی خواب و رویا (قسمت دوم)

صفحه

عنوان

وحدت و دوئیت در خواب چگونه است؟ / بشر نمی‌تواند از راه بدن روحیه را ایجاد کند / انسان می‌تواند بعضی از قدرت‌های الهی را به دست آورد چون از روح خدا در او دمیده شده است / هیچ چیز خارج از زمان و مکان را نمی‌توانیم بفهمیم چون قابلیت درک نداریم / فقط در محدوده‌ی حواس می‌توانیم فکر کنیم و مطالب را درک کنیم. ۸

خواب برای ما یک نشانی‌هایی می‌دهد که خیلی مسائل دیگر را بفهمیم / عرفا برای سلوک یک سالک به خواب اهمیت می‌دهند / در مورد علت اینکه چرا خواب را نباید به هر کسی گفت / خواب‌هایی که تا آخر عمر اثرش در ما باقی است که یک نخ ارتباطی با مجموعه‌ی روحی ما داشته است / به خواب اهمیت بیش از حد ندهید و

بی‌اهمیت هم تلقی نکنید. ۱۵

کابوس‌ها نشانه‌ی کوشش‌هایی است که انسان کرده و می‌کند ولی به نتیجه نمی‌رسد / در مورد رفع

کابوس و بختک. ۱۹

عرفا از اول به مسأله‌ی خواب خیلی اهمیت می‌دادند / درباره‌ی خواب حضرت یوسف که فرعون وسیله و نماینده‌ی الهی می‌شود؛ خدا بهترین مکرکنندگان است /

خواب جدا از ما نیست و تصویری از همین بدن است. ۲۳

در مورد خواب و ظاهر شدن اعتقادات / راجع به خواب

نادرشاه و شمشیری که علی علیه السلام بر کمرش بستند. ۲۵

مسأله‌ی تعبیر خواب خیلی مهم است و ارتباط معنوی غیر از ارتباط‌های ظاهری در آن هست / رویاهای صادق که اثر

دارد یک ارتباطی با عالم غیب دارد / در مورد تعبیر خواب و

علم روانکاوی / در مسأله‌ی خواب چیزی که خیلی مهم

است مسأله‌ی سَمْبُلِيسَم و نشانه است / نشانه، هم به

شخص مربوط است و هم به جامعه و روال و عرف جامعه /

راجع به تعبیر خواب و هوشیاری و درک مؤمن / یک سری

خواب‌ها آتیه‌ی انسان را مشخص می‌کند /

در مورد خواب‌های جهت‌یاب / دخالت هوئی و هوس

- ۲۸..... در خواب.
- در رویا، آن خواست‌ها، میل‌ها و حتی ناراحتی‌ها که انسان در زندگی دیده و هیچ چاره‌ای در مقابلش نداشته و باید تحمل می‌کرده، آنها را مجسم می‌کند / رویا همانند دریچه‌ی اطمینانی است / بعضی خواب‌ها در مواقعی که انسان شکّ بین دو چیز دارد، کمک می‌کند. ۴۰
- بعضی خواب‌ها تعبیری ندارد و وضعیت فعلی بدن یا روح را نشان می‌دهد / خواب آدم معتاد زیاد پایه‌ای ندارد. ۴۸
- در مورد تعبیر خواب حضرت یوسف در زندان؛ اثر در کلام من است. ۴۹
- فهرست جزوات قبل ۵۱

با توجه به آنکه حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) پاسخ نامه‌ها و سؤالات را، عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطف نمایید مطالب جزوات بیانات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید. فقط کسانی جزوات را بگیرند که مطالعه می‌کنند، نه اینکه بگیرند و گوشه‌ای بگذارند.

خواهشمند است به منظور دسترسی هر چه بیشتر علاقه‌مندان به خصوص فقرا و سایر مؤمنین به این جزوه و سایر جزوات بیانات، در صورتی که بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید. با توجه به آنکه تهیه‌ی جزوات بیانات، مستقل از هر مؤسسه‌ی خیریه و انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه‌ی اشتراک، با شماره‌ی تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

بدینوسیله از همه‌ی کسانی که در تکثیر این جزوه و سایر جزوات بیانات، توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود. مطالعه‌ی جزوات از طریق سایت اینترنتی ذیل نیز امکان‌پذیر می‌باشد. در این سایت، جزوات به تفکیک و شامل: مجموعه‌ی جزوات گفتارهای عرفانی، مکاتیب عرفانی، شرح رساله شریفه پندصالح، گفت‌وگوهای عرفانی، جزوات موضوعی (استخاره، اختلافات خانوادگی، حقوق مالی و عشریه) و... می‌باشد. همچنین در این سایت امکان جستجوی موضوعی در خصوص مطالب مورد نظر، نیز وجود دارد.

WWW.JOZVEH121.COM

هر کسی نامه می نویسد یا مطلبی می گوید، توقع دارد که جواب آن را بدهم و لاقلاً همان پنج خط که او نوشته، من دو خط بنویسم. همان را هم نمی رسم. الان مدتی است دیگر تقریباً نمی توانم بنویسم. خواهش کردم به فهرستی از مطالب گفته شده که هر مرتبه پیاده می شود و منتشر می گردد نگاه کنند، حتماً راجع به مطلب سؤال شده، صحبت کرده ام. دیگران هم که سؤالات مشابه دارند استفاده کنند. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ ه. ش.

یکی پرسیده که دوبار نامه نوشته ام جواب ندادید. آخر می گویند التماس دعا، من جواب این را چه بگویم؟ جوابی ندارید. همان فرمایش حضرت صالح علیشاه که یکبار گفتم. فرمودند: همان لحظه ای که آنها سلام می رسانند، التماس دعا می گویند، همان لحظه، دعا و خواسته شان به ما رسیده است.

فرض کنیم از هر کسی یک سؤال می رسد. اگر در جواب اینها، یک خط هم بنویسیم، خود این یک کتاب بزرگی می شود. این است که توقع اینکه برای هر سؤال، خود آن شخص را بخواهیم و با هم صحبت کنیم، نمی شود این کار را کرد، نمی رسم.

بنابراین درباره ی سؤال که در ذهنتان پیدا می شود، حتماً جواب داده ام. این جزوه هایی هم که درمی آید، بپرسید که چه موقعی جواب داده ام، همان را بگیرید بخوانید و بعد اگر پیدا نکردید آنوقت بیایید و بپرسید. مثلاً می نویسند شش بار نامه نوشتیم، جواب ندادید. بله، اگر ده بار هم مطلبی که مربوط به من نیست را بنویسید، چه جوابی بدهم؟

برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

رویا و خواب دیدن، از این حیث مورد دقت قرار گرفته که ما در خواب می‌بینیم خودمان در حال انجام کاری هستیم و در بیداری هم بعضی خواب‌ها تا مدّت‌ها در یاد ما می‌ماند یعنی همانطوری که شما به یاد می‌آورید که سه روز پیش کجا رفتید، آن خواب را هم در یاد دارید. از طرفی آن احساس هویت که الان دارید یعنی الان می‌دانید که من خودم هستم و این «هوهو» به قول فلاسفه نیست، همین احساس را هم در خواب دارید، البته گاهی استثناء هم عارض بر خواب می‌شود ولی معمولاً اینطور نیست یعنی خواب، متعلق به من و جزئی از زندگی من است؛ از طرفی در خواب می‌بینیم به مکان‌هایی رفته‌ایم که اصلاً وجود خارجی ندارد، پس ما کجا بودیم؟ ظاهراً در رختخواب بودیم. اگر کمی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که با این بدن به آنجا نرفته‌ایم، بلکه با چیز دیگری رفته‌ایم یا مثلاً کسی که در خواب برای برنزه شدن به دریا می‌رود تا پوستش برنزه شود، وقتی بیدار می‌شود از آن برنزه شدن هیچ اثری نیست. آن برنزه شدن کجا رفت؟

حال ممکن است به یک دوئیتی برسد یعنی «من» در خوابِ من، غیر از این من است؟ در صورتی که این همان من است و فقط

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۶ ه. ش.

یک من وجود دارد، حال این وحدت چیست؟ و آن دوئیت چیست؟ بعضی می‌گویند آن بدن فرضی، بدن هورقلیا بوده ولی وجه مشترک این دو بدن یک روح است یعنی آن روحی که به قولی می‌گوید: ما یکی روحیم، اندر دو بدن. کارهای خوبی که در خواب با آن بدن فرضی کردیم و کارهای بد که در خواب انجام دادیم، هیچکدام در این بدن اثر ندارد؛ مثلاً خواب دیده‌ایم با کسی دعوا کرده‌ایم، دست ما درد گرفته، وقتی بیدار می‌شویم، هیچ اثری نیست؛ یا خواب دیده‌ایم که از عده‌ی زیادی از مستمندان دستگیری کرده‌ایم، بیدار می‌شویم هیچ خبری نیست، پس آن اثرها مربوط به روح است؛ یا اسم آن را هر چه می‌خواهید بگذارید، مربوط به یک موجودیتی است که غیر از این بدن و وضعیت فعلی ماست. البته بعضی‌ها معتقد هستند و اصرار هم دارند بر اینکه نخیر، جداگانه از این بدن نیست. همین بدن ترشحاتی می‌کند و یک احساساتی مثل خشم و غضب و مهر و سایر حالات در اثر آن ایجاد می‌شود. ما می‌گوییم موجود جداگانه‌ای است، به هر جهت یک چیزی غیر از این بدن است، آن موجود چیست؟

آنهایی که معتقد به روح جداگانه‌ای نیستند، می‌گویند آن مجموعه‌ی ترشحاتی است که بدن انجام می‌دهد و ما می‌گوییم اگر اینطوری بود، بایستی هر حالتی که می‌خواهیم، بتوانیم در بدن

ایجاد کنیم یعنی اگر بخواهیم کسی با همه مهربان باشد، بتوانیم آن حالت را ایجاد کنیم یا بخواهیم با همه غضبناک باشد، دوایی به او بدهیم تا بتوانیم آن را ایجاد کنیم. آنها می‌گویند خیلی‌ها می‌توانند کارهایی انجام دهند که آدم‌های عاقل را دیوانه کنند و بعضی از دیوانه‌ها را خوب کنند ولی همه‌ی کارها را نمی‌توانند انجام دهند، اگر می‌توانستند، این همه بیمارستان‌های روانی برای چیست؟ در کشورهای فقیر و به اصطلاح جهان سوم تا کشورهای مهم، بیمارستان‌های روانی فراوان است و همه هم پر است. آنها می‌گویند یک روز بشر به آنجا می‌رسد که بتواند همه را درمان کند. ما می‌گوییم آن روز که شد مباحثات را از نو شروع می‌کنیم ولی امروز که ما می‌بینیم بشر نمی‌تواند از راه بدن روحیه را ایجاد کند، پس روحیه یک چیز جداگانه‌ای است.

این نظر ما همان نظر به اصطلاح روحیون است که به روح معتقد هستند و شروع به خلقت را هم حل کرده‌اند، می‌گویند: خداوند فرموده است: *فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^۱*، وقتی که او را درست کردم و آماده کردم و این جسم لیاقت پیدا کرد، از روح خود در او دمیدم، آنوقت سجده کنید، از روح خود دمید، خداوند نگفت همه‌ی

روح خود را در او دمیدم، بلکه می‌فرماید از روح خود در او دمیدم. این است که انسان می‌تواند بعضی از قدرت‌های الهی را به دست آورد. چون از روح خدا در او دمیده شده است.

مادّیون هنوز مسأله‌ی اوّل خلقت بشر را کشف نکرده‌اند، نظریات مختلفی در این مورد وجود دارد؛ بعضی می‌گویند از سیاره‌ای آمد یا بعضی نظرات دیگری دارند. به هر جهت کشف نکرده‌اند.

اما یک سؤال دیگری در این زمینه این است که می‌گویند: این روح از خداوند جدا شده است، پس آیا این روح خداوند است؟ نه، مثل نفخه‌ای است. نَفَخْتُ یعنی فوت کرد. اینطور مجسّم کرده‌اند که خداوند در بشر فوت کرد و از روح خود در او دمید، از خود او که چیزی کم نمی‌شود، آیا ما وقتی نفس می‌کشیم یا فوت می‌کنیم، از بدن ما چیزی کم می‌شود؟ نه، حالا خداوند هم به طریق اولیٰ نه چیزی از او کم می‌شود و نه چیزی به او زیاد می‌شود.

خداوند بدن را مثل یک ماشین سواری در اختیار روح گذاشته که بر او سوار شود و هر وقت هم که خواست آن را

پس می‌گیرد. اگر ما دقت کرده باشیم، هر احساسی و هر فکری را نمی‌توانیم درک و فهم کنیم، مگر در دو بعد مکان و زمان باشیم. مثلاً اگر با کسی مهربان هستید، مهربانی حالتی است که به چیزی تعلق می‌گیرد؛ مثلاً کسی که به دنیا، به اشیاء مهربان باشد، این مهربانی به یک جسمی و به یک مکانی تعلق می‌گیرد یا به زمان تعلق می‌گیرد، ما هیچ چیز را خارج از زمان و مکان نمی‌توانیم بفهمیم چرا که قابلیت درک نداریم.

ما به قول قدما، پنج حس به نام حواس خمسّه داریم، آنچه با این پنج حس درک می‌شود، ما می‌توانیم درک کنیم و استدلال کنیم ولی خیلی چیزهاست که ما نمی‌توانیم درک کنیم. پرندگان از کجا می‌فهمند که طوفان خواهد شد؟ حالا تازه هواشناسی مقداری پیشرفت کرده و تا حدّی حدس می‌زنند، اما گاهی اشتباه می‌شود، اما پرندگان نه؛ پرندگان از کجا می‌دانند که در چه زمانی طوفان می‌شود؟ یا در شب، سگ چه می‌بیند که پارس می‌کند؟ لابد یک حسّ خاصی دارد که ما نداریم، چیزهایی را می‌تواند ببیند که ما نمی‌توانیم. هر حیوانی و هر جاننداری در محدوده‌ی این حواسی که خدا به او داده (به قول

امروزی‌ها شش حس دارد) می‌تواند درک کند. فرقی ندارد که بگویید پنج حس یا صد حس، بلکه مهم این است که تنها در محدوده‌ی این حواس می‌توانید فکر کنید و مطالب را درک کنید. در مورد حیوانات هم، اینطور است و آنها هم فقط در محدوده‌ی حواس می‌توانند درک کنند یا مثلاً در هندسه می‌گویند دو خط موازی در بی‌نهایت به هم می‌رسند، شما هر نقطه‌ای را بگویید که بی‌نهایت است، باز بی‌نهایت نیست و چون بی‌نهایت در ظرف زمان و مکان نمی‌گنجد، ما نمی‌توانیم آن را درک کنیم و چون خداوند هم محدود به زمان و مکان نیست، از درک او عاجز هستیم، او نه مکان دارد و نه زمان و بطور طبیعی وقتی شما به بچه‌ی کوچکی که هنوز حواس او دارد رشد پیدا می‌کند بگویید: خدا، می‌گوید: از کجا آمده؟ و چه زمانی آفریده شده است؟ بدون اینکه خود او بفهمد و استدلال کند، زمان و مکان را حس می‌کند، بدون زمان و مکان هیچ چیزی را نمی‌تواند بفهمد.

جهت این هم که گفته‌اند در مورد ذات خداوند خیلی فکر نکنید و حرف نزنید، برای این است که فایده ندارد و گیج می‌شویم و اگر خیلی هم دقیق در این مورد فکر کنیم، دیوانه می‌شویم و به

نتایج بی‌ربطی خواهیم رسید. به هرجهت خدا دارای این خصوصیات وجود است و ما جرقه‌ای از روح خدا هستیم، البتّه این مسائل بیشتر حس‌کردنی است نه بحث‌کردنی، برای اینکه همانطورکه به زمان و مکان در نمی‌آید، به حرف و لغت و کلام هم در نمی‌آید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

آنچه آدم در خواب می بیند، هم واقعیت است، هم واقعیتی است که با وضع فعلی ما جور در نمی آید. در واقع مشکل ترین پدیده های روحی ما، مورد بررسی همه رقم علما قرار گرفته، علمای طبیعی از یک نظر بررسی کرده اند، علمای روانشناسی، روانکاوی از یک نظر دیگر، حکما و فلاسفه از یک جهت، عرفا از جهت دیگر. هر کدام از این تحقیقات هم در زمینه ی خودش بالارزش است. خواب برای ما، یک نشانی هایی می دهد که خیلی مسائل دیگر را بفهمیم.

شما فرض کنید به سینما رفتید یا در تلویزیون یک فیلمی تماشا کردید (فیلم مؤثری) تا مدتی خاطره ی آنچه دیدید در ذهن تان هست، نمی شود گفت چنین چیزی نبوده، نخیر، هست، بوده. نمی شود هم گفت واقعیت داشته، نه! در یک عالم دیگری بوده که وقایع و پدیده ها به صورت دیگری نمایان می شود. داستان های حیوانات هم که می گویند از این قبیل است، به اضافه ی اینکه در این داستان های حیوانات، مستقیم همان اوّل می گویند ما می خواهیم با این داستانی که می گوئیم خواننده را، با یک مسائلی آشنا کنیم و آن کسی که آن داستان را خوانده یا

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۸/۵/۱۳۹۰ ه. ش.

شنیده، خودش به فکر فرو می‌رود که چه مطلبی دارد؟ هر جا شیر می‌بیند می‌فهمد معنایش شجاعت است، هر جا می‌بیند روباه دخالته کرد یا کاری کرد، معنایش حقه‌بازی است، هر جا می‌بینید مورچه کاری کرد معنایش صرفه‌جویی است، به هر جهت یک معنایی دارد. مهمترین دلیلش که این با انسان در ارتباط است، این است که می‌گوییم آن فیلمی هم که ما دیدیم، درست است که ما دیدیم و این دیدن واقعیت دارد ولی به ما ربطی ندارد آن را فراموش کردیم.

اما گاهی یک خواب‌هایی می‌بینیم که حتی تا آخر عمر ممکن است همراه ما باشد حتماً همه‌ی ما از این قبیل خواب‌ها دیده‌ایم. پس این خواب، یک نخ ارتباطی خاصی با زندگی ما دارد چه بسا با آن زندگی که ما خودمان از آن خبر نداریم، به اصطلاح امروز ناخودآگاه ولی به هر جهت وجود دارد و در این تعبیرات باید دقت کنیم. به همین جهت هم عرفا برای سلوک یک سالک، به خوابش خیلی اهمّیت می‌دهند، نه اینکه هر چه خواب گفت انجام می‌دهند، نه! ولی به خواب اهمّیت می‌دهند. یک خوابی است که مؤثر است، یک خوابی است که مؤثر نیست.

در قرآن، خوانده‌اید فرعون خوابی دید، بعد چون حضرت یوسف علیه السلام تعبیر کرد و اجرا کرد، یک ملّتی نجات پیدا کردند (البته

به مناسبت کار خودِ فرعون) فرعون خیلی خواب‌ها می‌دید، همه را که نگفته، همه را تعبیر هم نکرده ولی این خواب قابل تعبیر بود. کما اینکه همین خواب را هم، خیلی از معبرین گفتند خواب چرندی است. *أَصْغَاثُ أَحْلَامٍ*^۱ است. پس در خواب‌ها ما خودمان می‌توانیم توجه بکنیم که چه خوابی *أَصْغَاثُ أَحْلَامٍ* است و چه خوابی درست است؟ گاهی اگر خودمان تشخیص ندهیم، کسی که در سلوک، از ما جلوتر است، او می‌تواند تشخیص بدهد، برای ما راهنمایی کند ولی این را هم توجه بکنید که مؤمن یا کسی که ما به او برای خواب اعتماد می‌کنیم، هر چه بگوید، آن معتبر است، دیگر به خواب ربطی ندارد. مثل آن دو زندانی که خواب دیدند و به حضرت یوسف *عَلَيْهِ السَّلَامُ* گفتند؛ یکی خواب دید که *إِنِّي أَرَانِي أَعَصِرُ خَمْرًا*^۲، در مجلس پادشاه بودم و خدمت می‌کردم و آن یکی گفت: نان روی سرم بود و پرنده‌گان می‌آمدند می‌خوردند که دو تا تعبیر کرد، حضرت بعد از آنکه خواب آن یکی را تعبیر کرد، فرمود که: تو را به دار می‌زنند و مرغان هوا می‌آیند، مغز سرت را می‌خورند، این خندید و گفت: من چنین خوابی ندیدم، برای امتحان گفتم. حضرت یوسف *عَلَيْهِ السَّلَامُ* گفت: چه این خواب را دیدی و چه ندیدی، همین که من گفتم انجام می‌شود. این را هم توجه بکنید و به همین دلیل

۱. سوره یوسف، آیه ۴۴.

۲. سوره یوسف، آیه ۳۶.

است که خواب را نباید به هرکسی بگویید. خواب یک راهی است به شما نشان داده‌اند، دیگری را معلوم نیست از آن وسیله راه بدهند، به این طریق می‌بینیم خیلی خواب‌ها هست که تا آخر عمر اثرش در ما باقی است این خواب‌ها از آن خواب‌هایی است که یک نخ ارتباطی با مجموعه‌ی روحی ما داشته باشد، اینطور خواب‌ها، مسلماً خواب بزرگان و... که گاهی می‌شنویم از این قبیل خواب‌ها می‌باشد ولی به هیچکس نباید بگویید، خودتان فکر کنید و چه بسا چنین خوابی، در خواب‌های دیگر تعبیر می‌شود.

در توجّه به خواب مثل همه‌ی کارهایی که در جامعه‌ی بشری می‌بینیم و حتی علم، یک وقت از این طرف افراط می‌شود یک وقت از آن طرف. یک وقت می‌گویند: خواب؟! ولش کن. خواب، خواب است، فقط ببینید. یک وقت همه چیز را از خواب می‌بینند و هر چه در خواب می‌بینند اهمیت می‌دهند. خیلی‌ها می‌گویند در خواب به ما گفتند چنین، چنان. باید این فکر را بکنند که چرا گفتند؟ بنابراین به خواب اهمیت بیش از حد ندهید و بی‌اهمیت هم تلقی نکنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

کسی گفت: خواب دیدم که امتحانی دارم و باید بروم امتحان بدهم ولی هیچ درس نخواندم، اینها انواع کابوس است. کابوس‌ها نشانه‌ی کوشش‌هایی است که انسان کرده و می‌کند ولی به نتیجه نمی‌رسد. می‌بیند از کوه بالا می‌رود نمی‌تواند به نفس می‌افتد و امثال اینها، این را باید توجّه کرد. اولاً یک مقداری همیشه وضعیت بدنی کابوس را تقویت می‌کند. وضعیت بدنی باید مساعد باشد، معده درست باشد، خواب به موقع باشد. کابوس‌هایی هم هست که انسان از ترسی که بطور کلی در همه‌ی موارد دارد جلوه می‌کند.

باز از خودم دو مثال بزنم چون قاعدتاً مرا راستگو می‌دانید؛ حالا مجالس در بیدخت خارج از بقعه است در حیاط یا در حسینیه است آنوقت جمعیت کم بود داخل بقعه بود. اگر نگاه کنید داخل بقعه آن بالا، به قولی یک رفی دور تا دور هست. من بارها خواب می‌دیدم که روی آن رف نشسته‌ام و می‌ترسم و دارم می‌افتم. البته خیلی بعدها بود گفتم کابوس است و غلط است و اگر خدا بخواهد ممکن است همان را نگه دارد، عملاً هم دیده‌اید ساختمان بزرگی می‌ریزد روی هم، می‌آیند جدا می‌کنند، بعد از زلزله بعد از دو، سه

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ ه. ش.

روز می‌بینند بچه‌ای زنده است. خواب می‌دیدیم. بعد کم‌کم خودم گفتم، چرا بترسم؟ از چه بترسم؟ همه‌ی اینها دست خداست پس باید از خدا بترسم. از خدا بترسم خداترسی هم مسلم است. بچه بودم سعی کردم در عالم بچگی، بهتر و بیشتر دستورات را انجام دهم و چندین بار بر من مسلم شد که این کابوس است و به این طریق رفع شد که یک بار دیدم که لیز خوردم و افتادم. اول ترسیدم بعد گفتم: چرا بترسم؟ همه چیز دست خداست. دیدم آرام افتادم زمین و اصلاً نترسیدم. حالا یادم نیست که همانوقت بیدار شدم یا بعداً.

به این طریق خودم کابوس خودم را از بین بردم این أَصْغَاتُ أَخْلَامَ که می‌گویند، کابوس از این قبیل است. یا می‌گویند بختک؛ در بیدخت اسم دیگری دارد. بختک هم کابوس دیگری است. دستوراتی که قدیمی‌ها داده‌اند در واقع همه حکمتی دارد ولی حکمت آن را نگفته‌اند. گفته‌اند وقتی بختک روی شما افتاده محکم بگیرید ناچار درمی‌رود یعنی چه؟ یعنی آنقدر بر خود مسلط باشید که هرگونه فکر ناشایست یا کار ناشایست که خود را روی شما می‌اندازد را محکم بگیرید. نگذارید کابوس ادامه پیدا کند. از کابوس نجات پیدا می‌کنید. گاهی ما در بیداری دچار کابوس می‌شویم، همینطور است.

آیات قرآن راجع به خوابی که فرعون دید، دارد که خوشه‌ی گندم چاق جنبه‌ی معنوی داشت ولی مُعَبَّرینِ اَوَّلِیَهِ جنبه‌ی معنوی نداشتند، آن مُعَبَّرین گفتند اَصْغَاثُ اَخْلَامِ است و ما نمی‌دانیم اما یوسف که ارتباط معنوی داشت وحی الهی دانست و تعبیر کرد. این است که تعبیر دارد منتها تعبیر و تفسیر آن غیر از تعبیرهای کلی است که شاید جلساتی می‌توانم بگویم اگر صحبت‌های متفرق من را جمع کنید بطوری که فرق درس دادن و سخن گفتن همین است که سخن گفتن آدم فهرست‌وار یک چیزهایی می‌گوید ولی در درس مبحث باید منظم باشد. ان شاء الله.

خودمان هم یک خواب‌هایی دیدیم و برای ما خیلی تعبیرش سخت بوده. من خودم خیلی دارم شماطه کوک کردم حالا چه می‌گویند؛ تایمر (ما نرفتیم یک لغت فارسی پیدا کنیم از شماطه به تایمر از تایمر معلوم نیست به چه برسیم؟ تبدیل شماطه به تایمر یک مرحله‌ی فرهنگی ماست.) به هر جهت ساعت کوک کردم که مثلاً ساعت چهار بیدار شوم. آنوقت‌ها مثل حالا کم خواب نبودم، راحت می‌خوابیدم. البته حالا هم خوابم خوب است ولی کمتر است. ان شاء الله خواب ابدی هم خوب باشد. به هر جهت وقتی می‌خواهد زنگ بزند من غرق خواب، در عمق هفتم خواب

هستم و زنگ می‌زند. گوش من و اعصاب من طاقت ندارد چنین صدایی را در خواب تحمّل کند و باید بیدار شود. از طرفی دارم خواب هم می‌بینم، چطوری بیدار شوم؟ مثلاً داشتم در خواب با کسی صحبت می‌کردم و یک مرتبه می‌دیدم آینه‌ی قدی که تا آن دقیقه ندیده بودم، پشت سرم شکست، از صدای آن بیدار شدم، خواب این را می‌پذیرد به شکل خودش در هر حالتی باشد. یک بار دیگر نظیر همین خواب را دیدم مثل اینکه افتادم در حوض آب سرد پریدم و دیدم شماطه زنگ می‌زند. البته حالا در مورد این زنگ زدن شماطه و اینکه ذهن ما چه می‌کند، قرار نبود آنقدر صحبت کنم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

در مورد خواب و رویا، رویا را ندیده نمی‌شود گرفت. همه چیز هم نمی‌شود رویش حساب کرد. بعضی همه چیزشان روی خواب است. فلان کس خواب دیده که من این کار را کردم، حالا به تو چه؟ همه چیز خواب نیست ولی خواب خیلی چیزها است. تا مدّت‌ها در کتب قدیم، به خواب اهمّیت چندانی نمی‌دادند ولی عرفا، نه. در طول تاریخ کتب فقهی را ببینید البتّه آداب خواب را نوشته‌اند که با وضو باشید و این دعاها را بخوانید ولی اینکه رویا چه اثری دارد، نگفته‌اند. کار آنها نیست، کار آنها اعمال است ولی عرفا از اوّل به مسأله‌ی خواب خیلی اهمّیت می‌دادند. در خود قرآن هم چندین جا از خواب اسم برده است. یک بار پیغمبر خواب دید که بوزینه‌هایی از منبر او بالا می‌روند و آن بالا صحبت می‌کنند. قرآن گفته یک بار حضرت یوسف بچه که بود خواب دید، **أَخَذَ عَشْرَ كُوكِبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ**^۲، یک بار هم فرعون خواب دید و موجب شد که حضرت یوسف از زندان دربیاید.

کار خداوند را ببینید، **وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**^۳، در یک موردی می‌گوید آنها مکر کردند. مکر، تنها به معنای بدش

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۳۰/۱۰/۱۳۸۸ ه. ش.

۲. سوره یوسف، آیه ۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۵۴.

نیست به معنای زرنگی، خدا هم مکر کرد خدا بهترین مکرکنندگان است. یوسف باید تربیت شود. آنطوری با زلیخا می‌شود و بعد هفت سال زندان می‌رود. حالا خدا می‌خواهد او از زندان بیرون بیاید، به او هم می‌خواهد قدرتش را نشان بدهد فرعون که آن بالاست این خواب را می‌بیند فرعون می‌شود نماینده‌ی الهی، خدا می‌خواهد یوسف را بردارد بلند کند فرعون وسیله‌ی آن است. به فرعون می‌گوید یاالله؛ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ.

به خواب آنقدر توجه نکنید که خواب جدا از ما نیست. خواب تصویری از همین بدن است. من خواب می‌بینم، وقتی بیدار می‌شوم هیچکس نمی‌فهمد که من چه خوابی دیده‌ام. بنابراین بی‌اثر نیست. خواب مربوط به خود من است کما اینکه مثلاً دل کسی درد می‌گیرد دل خودش درد گرفته. بی‌اثر نیست، ممکن است چیز مهمی نباشد ولی به هرجهت مؤثر است. رویا هم همینطور حالا چطوری؟ این تعبیر خواب که آمده به این منظور است. البته یک خواب‌هایی هست احلام و... که تعبیر ندارد. آنها را باید فهمید. ان شاء الله اگر نفسی باشد خواهم گفت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

علی علیه السلام در اعتقادات ما اگر وارد باشد، اعتقادات به صورت یک خواب و رویا از آن ظاهر می شود یعنی ما محال است حضرت علی، امام حسن، امام حسین علیهم السلام و اینها را به خواب ببینیم و حرف ناسزایی بگوییم در این صورت معلوم می شود اعتقادمان خراب است. برای اینکه خواب، این چیزها را ظاهر می کند.

در جزء خواب‌ها، رویاهای صادق، خواب نادرشاه را می گویند، حالا یکی می گوید نادرشاه سنی بوده، یکی می گوید فلان بود، به هر جهت نادرشاه در ضمن اینکه، به قولی تحصیل کرده نبود، نه پروفیسور بود، نه دکترا داشت، هیچی ولی خیلی مرد فهمیده‌ای بود، او اگر به جنون دچار نشده بود واقعاً بی نظیر بود. نادرشاه اول که شروع کرد به اینکه خودش بگوید من پادشاه هستم و مملکت را گرفتم، خواب دید که علی علیه السلام آمدند. به قولی: علی کرم الله وجهه آمد و شمشیری، حالا نمی دانم شمشیر ذوالفقار یا دیگری؟ شمشیری به کمرش بستند، همینقدر بیدار شد خودش تعبیر کرد، گفت اینی که به کمرم انداختند، این است که علی من را به این مأمور کرده، شخصیت را به من داده که مبارزه‌ی او را دنبال کنم و رفت همینطور همه جا تا موفق شد. بعد هم البته در

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۶/۳/۱۳۹۰ ه. ش.

آن آخر وقتی خودش فهمید که دیگر خیلی حالش خراب است، خواب دید علی آمدند کمرش را باز کردند و شمشیر را برداشتند و بردند. خودش گفت دوران من تمام شد که بعد او را گرفتند. حالا شمشیر را اگر علی به کمرش ببندد، این مأموریت است ولی اگر شمشیر به خودش بدهد یا نشان بدهد، نشان دهنده‌ی این است که یادت باشد من شمشیر دارم، حواله‌ی تو با این شمشیر است یا گردن دشمنان را می‌زنم و یا همه را مطیع می‌کنم، این دیگر بسته به خودت است. چون کمتر هم دیده شده که خوابی به اصطلاح صریحاً علی در آن باشد.

البته من خودم یک خوابی دیدم، از همان بچگی، برای همه گفته‌ام. پنج، شش ساله بودم در حال به‌قولی احتضار. در اتاقی که مادرم را از بالای سرم بردند که نبیند بچه‌اش دارد جان می‌دهد ولی من دیدم در پشت بام، در یک جای لغزنده‌ای نشسته‌ام می‌خواهم بیفتم، خودم را نگه می‌دارم که نیفتم. علی علیه‌السلام از آن پشت آمدند یک ظرفی، از این قهوه‌ریزها، ریختند گفتند نبات جوش است، (ما نبات جوش می‌گوییم) این را بخورتا خوب بشوی. من گرفتم و خوردم و بیدار شدم و بعد صدا زدم بیایید که خوب شدم. هر کسی علی برایش مظهر حیات و مظهر فعالیت است، اینطور است.

برای ما مسلمان‌ها، شیعه‌ها به خصوص برای مسلمان‌ها علی ولی الله است ولی دیگران که نمی‌شناسند مگر اینکه یکی بخواهد یعنی خداوند نظر داشته باشد به یک شخص معمولی، یک کارگر ساده‌ای مثلاً در آفریقا، موهبتی کند. کسی را خواب می‌بیند بعد می‌پرسد: علی کیست؟ آنوقت می‌فهمد و الا بطور کلی کسانی که علی را می‌شناسند، به اصطلاح خودبه‌خود می‌شناسند. کما اینکه در آیه‌ی قرآن هم هست. جایی دارد که برای آنهایی که کتاب فرستادیم، کتاب یعنی موهبت، حکمت، کتاب فرستادیم، آنهایی که قبلاً کتاب را داشتند یعنی در ایمان بودند، خودشان کتاب را می‌شناسند یعنی وقتی دو تگه فلز را به هم نزدیک کنید به هم می‌چسبند، آنوقت می‌فهمید این آهن است، آن هم آهن‌با است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

در مورد تعبیر خواب، خواب‌هایی هستند که تعبیر دارند و یک خواب‌هایی هستند که أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ^۲ است. آنهایی که تعبیر بلد نیستند خیلی اوقات از آنها بپرسند، می‌گویند أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ است. در قرآن هم دارد وقتی که فرعون آن خواب را دید و به حضرت یوسف گفت، قبل از آن مُعَبِّرِينَ خود را خواست. چون همه‌ی سلاطین و فراعنه یک گروه مُعَبِّر هم داشتند که این نشان می‌دهد که از اوّل، بشر به خواب خیلی اهمّیت می‌داده است. وقتی به آن مُعَبِّرین گفت، آنها فکری کردند (همانطور که فیلم آن را نشان دادند، اتفاقاً منطبق با آیات قرآن بود) با هم مشورت کردند، دیدند چیزی نمی‌فهمند که خود این مطلب برای مُعَبِّرین یک درس بود. گفتند ما نمی‌فهمیم این از خواب‌های الکی و شیطانی است ولی بعد حضرت یوسف تعبیر کرد.

در واقع خدا خواسته در این سوره آن عباراتی که در اوّل سوره گفته شرح بدهد و دلیلی برای آن بیاورد. در اوّل سوره این است که یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ به فرزند خود یوسف که هنوز کوچک بود گفت که این خواب خود را به کسی نگو. این یک قاعده برای خواب است، منتها قاعده‌ای که خواب بیننده باید رعایت کند

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۴ ه. ش.

۲. سوره یوسف، آیه ۴۴.

خوابی که می بیند و فکر می کند معنایی دارد، می داند که معنایی دارد، این خواب را نباید بگوید. این فهم برای مؤمنین هست و به موجب آن، آیه ی دیگری که می گوید: وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا^۱، خودش بد و خوب را می فهمد و جای دیگر فرمود: وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ^۲، به این طریق خداوند تو را برگزید و به تو تعبیر خواب یاد داد این هم اهمیّتش. حالا اگر این اهمیّت را خداوند به او بدهد، یعقوب پیغمبر به فرزندش که بعد پیغمبر می شود، از همان اوّل به او می گوید خداوند تو را برگزید.

پس مسأله ی تعبیر خواب خیلی مهم است و معلوم می شود یک ارتباط معنوی غیر از ارتباط های ظاهری که می فهمیم در آن هست. به چه دلیل؟ به دلیل اینکه مُعَبَّرین فرعون نفهمیدند، مُعَبَّرین فرعون همه دانشمند بودند، اینطور نبود که فرعون فرمان دانشمندی بدهد، نه! دانشمند بودند (مثل کریم خان زند که قصّه ی او را گفتم) آنها نفهمیدند چون در قلمرویی بودند که نشان می دهد خواب ها و رویاهای صادقه که اثر دارد یک ارتباطی با عالم غیب دارد. آنها هم که ارتباط نداشتند، نفهمیدند. مُعَبَّرین نفهمیدند نمی توانند این خواب را تعبیر کنند. گفتند این أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ است ولی یوسف آنوقت که پیغمبر بود و با آن عوالم در

۱. سوره شمس، آیات ۸-۷.

۲. سوره یوسف، آیه ۶.

ارتباط بود فهمید. آنوقت چرا فرعون‌های دیگر چنین خواب‌هایی ندیدند؟ این فرعون دید برای اینکه بعداً هم ثابت شد که این فرعون ارتباطی با عالم غیب دارد. کمااینکه حضرت یوسف دست او را گرفت و بیعت ایمانی کرد.

کسی از مؤمنین که خواب می‌بیند، همه‌ی ما ان شاءالله از مؤمنین هستیم. (أَحِبُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ) می‌گوید من هم مؤمنین را دوست دارم گرچه خودم از مؤمنین نیستم ولی مؤمنین را دوست دارم (أَحِبُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ). آنوقت خواب یک تعبیری دارد و معتبری مثل یوسف عَلَيْهِ السَّلَام می‌تواند آن را تعبیر کند که با عوالم غیب در ارتباط باشد. با عوالمی که فهمیده نمی‌شود.

در تعبیرها علم خاصی هم در یکی، دو قرن اخیر پیدا شده به نام روانکاوی که به تعبیر خواب هم خیلی اهمیت می‌دهد ولی ماهیت را نمی‌تواند بگوید. خداوند اجازه داده که بشر جلو برود و هر روز چیز جدیدی کشف کند. مبحث تعبیر خواب در این علم خیلی مهم است. برای اینکه اولاً قدیم که بعضی می‌گفتند خواب هیچ ارتباطی به زندگی ما ندارد. این خیلی بعید به نظر می‌رسد برای اینکه الان که فکر می‌کنیم خوابی را که من دیدم، خواب مال من است، در بیرون هیچ اثری از آن نیست و در درون من ممکن است کاملاً مجسم باشد، مثل یک میکروفیلم باشد، پس نمی‌شود بی‌اثر

باشد و از طرفی عملاً هم دیدیم که خیلی خواب‌ها خیلی مؤثر است کسی یک خوابی می‌بیند مدت‌ها سر حال و خوش حال است و بالعکس. یک مقداری از اینها به اصطلاح آمادگی بدنی است. بدن مستعد برای فعالیت است و خواب می‌بیند.

در مسأله‌ی خواب چیزی که خیلی مهم است مسأله‌ی سَمْبُلِسم است که نمی‌دانم ترجمه‌ای کرده‌اند یا نه؟ سَمْبُل یعنی نشانه، که در زندگی عادی ما هم نشانه هست. گل به کسی می‌دهیم نشانه‌ی محبت است. اگر یک دسته خار بدهیم نشانه‌ی به عکس است. یا به جای کلمه، یک حرکتی می‌کند مثلاً با حرکت دست سلام کرده. حالا ممکن است بگویید ما چند سَمْبُل در زندگی داریم ولی سَمْبُلِسم لازم نیست بطور کلی به درد بخورد و حال آنکه بشر زبان‌هایی که اختراع کرده و برایش متداول است همه‌ی مسائل را ندارد، خود زبان‌ها با هم خیلی مختلف است زبان ژاپنی یا چینی اگر گوش بدهید حروف و کلماتی دارد که آدم نمی‌تواند تکرار کند. یک ژاپنی مثلاً بگوید من یک شعری می‌خوانم تو تکرار کن محال است ما بتوانیم. این حتی در مورد خود کلمات است، اما غیر از کلمات چیزهایی در بشر هست که به زبان نمی‌تواند بگوید. فرض کنید در غذاها یک غذای ترش می‌خورید بدون اینکه حرفی بزنید به قول ما «شق» می‌کنید، این یک سَمْبُل است یعنی غذا

خیلی ترش است یا تلخ است یا شور است، همه یک سَمْبُلی دارد. پس تمام زندگی ما در واقع یک مقداری مبنی بر سَمْبُل است، نشانه‌ها بگوییم بهتر است. حالا که این نشانه در زندگی ما آنقدر مؤثر است، در خواب ما هم باید مؤثر باشد برای اینکه وقتی ما خوابیدیم و خواب می‌بینیم چیز عجیب و غریبی نمی‌بینیم خود خواب ممکن است عجیب باشد ولی به هر جهت جزء ماست ما خواب را دیدیم، همین سَمْبُلِیسم است.

در دعاها هست که می‌گوید، *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا*، شکر خدا را که شب را پوشش قرار داد و دیده نمی‌شود و خواب را استراحت قرار داد. حالا اگر در رویا می‌خواهد استراحت شود مخفی بودن جزء آن است. مخفی بودن یعنی چیزی را صریح نگوییم، با نشانه‌ها بگوییم. فرض کنید خواب ببینید یک نفری را نمی‌دانید به شما محبت دارد یا نه؟ در خواب که نمی‌روید از او بپرسید، در خواب می‌بینید او سلام کرد، از شما دعوت کرد، صبح که بلند می‌شوید تعبیر می‌کنید که او با من میانه‌اش خوب است یا بالعکس. این است که در خواب و رویا همه جا سَمْبُل کار خود را می‌کند. نشانه، هم به شخص مربوط است و هم به جامعه و روال جامعه. در ترکمن‌ها یا بلوچ‌ها (یادم نیست) می‌گویند، ته‌دیگ سر سفره بیاورند بد می‌دانند. در اینجا ما مهمانی می‌کنیم ته‌دیگ را

هم خیلی قشنگ درست می‌کنیم و جلوی مهمان می‌گذاریم ولی مهمان در آنجا بد می‌داند و می‌گوید: این علامت این است که یعنی کفگیر به ته دیگ خورده و از آمدن تو من متضرر شدم. یا چیز عامیانه‌ای که دیده‌اید و برخورد کرده‌اید، در ایران داش مشدی‌ها، لات‌ها آن علامت که شصتشان را نشان می‌دهند (بیلاخ) به اصطلاح فحش می‌دادند ناسزا می‌دانند ولی فرنگی‌ها نه، فیلم‌ها را دیده‌اید وقتی می‌خواهند آرزوی خیر برای کسی کنند اینطور نشان می‌دهند.

پس منظور نشانه مربوط به مردم و ملت است و در خواب هم، ما همه‌اش حرف نمی‌زنیم شاید هم حرف می‌زنیم ولی سایر چیزهایی که می‌بینیم هم، همه نشانه است و تغییر می‌کند. مثلاً یک تهرانی در خواب ببیند، ما ببینیم که رفتیم منزل کسی و دیدیم از لای در صاحبخانه یا بچه‌هایش ته دیگ‌ها را دارند می‌خورند ما می‌فهمیم که چندان به ما علاقه‌ای ندارند اما اگر در ترکمن و بلوچ‌ها ببینیم می‌گوییم گفته ته دیگ را بچه‌ها بخورند نه ما و می‌فهمیم و معلوم می‌شود به ما علاقه دارند. پس در شناختن علامت‌ها، باید موقعیت جامعه و عرف جامعه را شناخت. جامعه‌ی کشاورزی یک‌طور است و جامعه‌ی کارگری و صنعتی یک‌طور.

در مورد خواب فرعون رزق و روزی اهالی مصر از گندم بود، گندم یعنی حیات ملّت، وقتی خواب می‌بیند البتّه اینها را حالا ما می‌گوییم اگر الان فرعون این خواب را می‌دید ما نمی‌توانستیم تعبیر کنیم ولی حالا «معّمّا چو حل گشت آسان شود» حالا که حضرت یوسف علیه السلام این زحمت را کشید و قبل از ما این کار را کرده، ما می‌توانیم تحلیل کنیم. وقتی فرعون این خواب را می‌بیند یعنی مسأله راجع به حیات مملکت است اگر این خواب را یک زارع از دهات ایران می‌دید که خوشه‌ی گندم اینطور شده می‌گفتیم امسال زراعت تو خراب می‌شود ولی فرعون که بر همه‌ی مملکت نفوذ دارد تعبیر برای تمام مملکت اوست. می‌بیند گندم که مایه‌ی حیات و زیست است، خیلی گندم خوبی است بعد آنطور می‌شود یا در مورد گاو که احترام می‌کردند در خواب اینطور می‌بیند. چون در مصر، در داستان‌های یونان قدیم هم هست گاو آپیس که گاو محترمی بود که الان در هندوستان هم همینطور است. هندوستان الان تاپاله‌ی گاو را به صورتشان می‌زنند. اگر یک هندی خواب ببیند که کسی یک جعبه تاپاله‌ی گاو برای او آورده است، خیلی خوشحال می‌شود ولی ما اگر ببینیم، نه. اینجا است که در تعبیر خواب اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ، از هوشیاری و درک مؤمن توجّه کنید. زنه‌ار این هوشیاری این است که در خواب همه‌ی اینها را باید اوّل

تبدیل کرد. در ذهن چیزهای سَمْبُل و نشانه‌ها را که می‌بیند به واقعیت و عادی تعبیر کند. یک مقدار از این خواب‌ها تعبیر دارد. در واقع امروز می‌گویند و درست هم می‌گویند که هیچ خوابی بی‌اثر و بی‌معنا نیست این‌هایی که از خواب‌هایی از این قبیل که گفتیم است که علم یک مقداری پیشرفت کرده و فهمیده و همین مسأله‌ی نشانه و سَمْبُلِیسم است. کتابی هم نوشته شده / انسان و سَمْبُل‌هایش که به فارسی ترجمه شده البته نه مقدّماتی و نه مؤخراتی است، یک تگه‌ای است ولی کتاب خوبی است که به فارسی ترجمه شده.

پس یک سری خواب‌ها هست که قابل تعبیر و تفسیر است و ما نمی‌توانیم همیشه تشخیص بدهیم که این خواب از این گروه است یا از آن گروه؟ این است که گفته‌اند خواب را به کسی نگویند. به هر جهت خوب یا بد، آن آیه‌ی: *إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ*^۱ را بخوانید یا یک الحمد لله بگویند.

خواب‌های دیگری هست که از بدن ماست، بدن خود احترامی دارد، حیثیتی دارد ما وقتی می‌گوییم «من»، آن روح من است به آن روح من، خداوند این بدن را امانت داده و گفته نگاه دار

تا وقتی من گفتم. این را نگه دار بعد ولش کن بیا. خود این بدن یک وقت اگر فرض کنید قند خون او زیاد می‌شود یک سری خواب‌های مشخصی می‌بیند، بعد آمدیم درمان کرد و بعد از یک سال و دو سال که طول کشید و قند او خیلی پایین بود یک سری خواب‌های دیگر می‌بیند یا کسی معده و دستگاه هاضمه‌اش خراب است یک خواب‌هایی می‌بیند بعد که خوب شد و درمان شد خواب‌ها عوض می‌شود. اینها یک سری از تعبیرات خواب است.

یک سری کتاب‌های تعبیر خواب که می‌نویسند ابن سیرین نوشته دو، سه کتاب هم از این قبیل من به فرانسه دارم. می‌گویند: کسانی که بیشتر جنگ و جدال و خون می‌بینند علامت این است که فشار خون زیادتر است. خواب به ما می‌گوید. اینها هم یک سری خواب که تعبیرش اینطوری است. البته این تعبیر هم با خود سَمْبُل و نشانه دیده می‌شود کسی که فشار خونس زیاد است خون به حرف نمی‌آید بگویند من فشار دارم نشان می‌دهد به صورت خون که می‌ریزد دماغش خون می‌آید و امثال این. پس دانستن نشانه‌ها در این مورد هم مؤثر است.

اگر از این مورد هم بگذریم یک خواب‌هایی هست که آتیه‌ی انسان را مشخص می‌کند و اینطور خواب‌ها را احتمال اینکه مؤمنین ببینند، بیشتر است. البته هست ولی نه اینکه هر خوابی

اینطور است. مثلاً بین این راه و آن راه، خیلی مردد است هر چه فکر کرده نمی‌فهمد. در خواب پیدا می‌شود. در خواب حل می‌کند. برای اینکه در خواب سایر امیال مزاحم نیست ما هزار جور میل و هوس در درون داریم وقتی در بیداری هستیم میل‌ها بدون اینکه بفهمیم دخالت می‌کنند و نمی‌گذارند بفهمیم، یکی، دوبار گفتم که در مورد من می‌گفتند: شاگرد خیلی خوبی است.

در مکتب حقایق و پیش ادیب عشق

هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

حالا من در مسائل جبر و ریاضیات بعضی را نمی‌توانستم حل کنم. خسته بودم می‌خواهیدم در خواب حل می‌کردم. خیلی برای من شده، بسیاری از سوالات امتحانی را خواب دیدم. این را بگویم که نگویید پس دیپلم تو هم مثل این آقایان جعلی است، نه! خواب دیدم اما اصلاً اعتنا به خواب نکردم. برای اینکه قرار نیست اینطور باشد. این خواب‌ها را می‌گویند خواب‌های جهت‌یاب، جهت‌زندگی ما را تعیین می‌کنند ولی در اینجا اگر هوی و هوس خاصی راجع به آن موضوع نباشد خواب مؤثر است ولی گاهی اوقات مثلاً کسی خواب می‌بیند که یکی از این کایت‌ها سوار شده، کایت سواری می‌کند، بس که در فیلم‌ها دیده خوشش می‌آید می‌گوید باید من هم سوار شوم و خواب می‌بیند. غافل از

اینکه اگر آزمایش طبّی کنند می‌گویند تو نمی‌توانی کایت سواری بکنی. این خواب چرا اینطوری است؟ چون هوی و هوس قبلی در او دخالت کرده، به اصطلاح بدون فکر این کار را کرده است. حالا نه به این درجه ولی از خودم بگویم. خیلی معذرت می‌خواهم که من ناچارم گاهی از خودم بگویم که از دیگری یا نمی‌دانم یا اگر بدانم نمی‌خواهم از دیگری حرف بزنم.

من در دانشکده و دبیرستان که بودم خیلی تعریف سیاستمداران و دیپلمات‌ها را می‌شنیدم و می‌دیدم اینها خیلی مهم هستند. این هوس در من بود و من برای اطاعت از این هوس حالا خواب هم ندیدم ولی زحمت کشیدم و وارد وزارت امور خارجه شدم. خیلی استخدام آنجا مشکل است، دو سال هم آنجا بودم فهمیدم که نه، جای من اینجا نیست. این کار به درد من نمی‌خورد آنوقت به دادگستری آمدم. تنها تجربه‌ای که آموختم همین بود که این کار به درد من نمی‌خورد ولی جوانی و آن شوق و تأثیر گفته‌های مردم من را وادار کرد. حالا گاهی همین مسأله در خواب دیده می‌شود.

بنابراین خواب را به هیچ صورت بی‌اهمیت ندانید حتّی أَضْعَاثُ أَحْلَامٍ را. نشان می‌دهد که کبد شما یا معده‌ی شما ضعیف است یا آرتروز دارید. به این طریق می‌بینید که حتّی اطبّای قدیم

مثل ابوعلی سینا یک مقداری تعبیر خواب در این حدودها می دانستند و می گفتند یا می بینید عرفا، مرحوم مستعلیشاه در *بستان‌السیاحه* یک بخشی در مورد تعبیر خواب دارند یا می بینید که یک فقیه خیلی بزرگ به نام ابن‌سیرین که در فقه و دانش فقهی خیلی سطح بالا و خیلی فهمیده و عاقل بود کتابی به نام *تعبیر خواب* می نویسد.

حالا یک مقدار کلیاتی بود که حرف زدم اگر باز چیزهایی به خاطر آمد جلسات دیگری خواهم گفت. ان شاء الله. یک کتاب در مورد خواب از فرانسه شصت سال، پنجاه و چند سال پیش ترجمه کردم. روزنامه‌ی *مهر/ایران* آن روز چاپ کردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

در مورد خواب، عالم رویا البته در فارسی به هر دو گفته می‌شود هم به خوابیدن هم به خواب دیدن، اما در عربی دو لغت جداگانه دارد، نوم یعنی خواب، نائم یعنی خوابیده که کتاب *تنبيه النائمين* آقای سلطان‌علیشاه یعنی بیدار کردن خوابیده‌ها ولی رویا یعنی خواب دیدن. اینکه در فارسی مثلاً ما بگوییم خواب و رویا که اشتباه نشود بهتر است.

رویاها در درجه‌ی اول برای پیغمبران بوده است یعنی پیغمبران خوابی که می‌دیدند یک مرحله‌ای از عبورشان بود، از سلوکشان بود. خواب حضرت ابراهیم یا حضرت یوسف که خواب دید ماه و ستاره سجده می‌کنند، گفت: *إِنِّي رَأَيْتُ*^۲، دیدم. برای اینکه در واقع برای آنها خواب و بیداری فرقی نمی‌کرد یا در مورد پیغمبر آن خوابی که دید.

در قدیم البته به خواب خیلی کم اهمیت می‌دادند یعنی در موردش فکر نمی‌کردند.

در مورد مسأله‌ی رویا دانشمندان آنوقت‌ها می‌گفتند: رویا هیچ اثری در زندگی ما ندارد. اینها آمدند گفتند نه، اثر دارد. از اینجا شروع کردند که رویا در زندگی ما زیادتر می‌شود. کم‌کم جلو

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳۱ ه. ش.

۲. سوره یوسف، آیه ۴.

رفتند، حالا اصلاً می‌گویند که رویا در زندگی ما از همه چیز مؤثرتر است. عرفا می‌خواهند در راه سلوک کمک کنند، اینها لازم نیست استدلال کنند، کسانی که به آنها معتقدند، چون حرفشان را گوش می‌دهند، عرفا به صورت دستورالعمل می‌گویند، اینکه می‌گوییم عرفا یعنی اینهایی که واقعاً با احکام دینی آشنا هستند، مردم هم معتقدند که آدمهای بزرگ دینی هر چه گفتند قبول است، قبول می‌کردند و اجرا می‌کردند. یک جهت اتفاق و اتحادی که در داخل خانواده‌ها بود و در این یکی، دو قرن اخیر به هم ریخته، همین مسأله است.

حالا این مقدمه‌ای بود گفتم که البته از متن مفصل‌تر بود. مهمترین چیزی که در رویا هست؛ آن خواست‌ها، میل‌ها و حتی ناراحتی‌ها که انسان در زندگی دیده و هیچ چاره‌ای در مقابلش نداشته و باید تحمل می‌کرده، آنها را مجسم می‌کند، یک زندگی برای انسان فراهم می‌کند که می‌خواسته آنطوری باشد یا مثلاً حتی آرزوی مرگ یک دشمنی را داشته، در خواب می‌بیند. گاهی اوقات اگر یک راهی به عالم غیب داشته باشد، این خوابش صحیح می‌شود. میل به اینکه آن شخص، آن دشمنش از بین برود در ذهنش هست، تحریکش می‌کند بعد یک خاطره‌ای راجع به او مجسم می‌شود، به این طریق آرامش روحی برای شخص پیدا

می‌شود. یک کسی که از یک بلیه یا امر ناخوشایندی ناراحت است و هیچ کارش هم نمی‌توانیم بکنیم، این هم به خواب رفتن کمکش می‌کند برای اینکه یک سمی، سمومی در بدن ایجاد می‌شود که خواب و استراحت به او کمک می‌کند ولی مهمتر از آن، رویایی است که می‌بیند. رویایی که می‌بیند مثل دريچه‌ی اطمینان است، دريچه‌ی سوپاپ است. ديگ‌های تندپزا همه دیده‌اید، یک دری دارد که بخار بیرون نیاید، آن بخار نیرویی دارد فشار می‌آورد اگر خیلی فشار بیاورد ممکن است منفجر کند. به این حساب یک دريچه‌ای گذاشته‌اند که اگر فشار به آن دريچه رسید، آن دريچه را باز کند، فشار کم می‌شود، این را دريچه‌ی اطمینان می‌گویند. حالا رویا هم در خیلی از این موارد برای ما دريچه‌ی اطمینانی است یعنی آنقدر ناراحتی‌ها، گرفتاری‌ها فشار به زندگی ما آورده که به خواب می‌رود و استراحت می‌کند، هم رویاست و هم خواب. این یک نقشی است که در رویا دیده می‌شود که باید برای تعبیر خواب ببینند چه ناراحتی‌هایی دارد.

البته گاهی آدم خواب می‌بیند رفع این گرفتاری است، رفع این ناراحتی است. یک راهی برای رفع ناراحتی است، برای اینکه آرام زندگی آنقدر افکار را محدود می‌کند و در زنجیر می‌بندد که در موقع عادی ما نمی‌توانیم راحت راهی پیدا کنیم، در خواب آن

زنجیرها گسسته می‌شود، برایتان در مورد خودم مثال زد. برای دانشجو، دانش‌آموز این مصیبتی است که معلّم مسأله بدهد نتواند حل کند. به نظر من این مسأله بود، برای خیلی‌ها نبود ولی من اگر معلّم امتحان می‌کرد و نمی‌توانستم حل کنم برایم مصیبتی بود. چند بار شده که مسأله‌ای را که در روز نمی‌توانم حل کنم در خواب دیده و حل می‌کنم. اوّل این را بگویم که من هیئت و نجوم خواندم و یک چیزهایی بلد بودم، یک مدّتی پیش بینی‌هایی می‌کردم، بعد رها کردم. حضرت صالح علی‌شاه چون خودشان به من درس داده بودند، یک بار پرسیدند نمی‌بینم، مدّتی است دیگر پیش بینی نکردی. گفتم: بله. گفتند: چرا؟ گفتم: من فکر کردم که اگر خداوند بخواهد، مصلحت می‌دانست که مسلمان، عارف از آینده‌اش خبر داشته باشد که فردا چه می‌شود، خودش که گفته من خبر ندارم: لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ^۱ ولی اگر می‌خواست، چه کار می‌کرد؟ یک حسّی در اینجا می‌آفرید که بتواند این کار را بکند، همانطور که چشم آفریده، یک حسّی هم می‌آفرید که بتواند فردا را ببیند. وقتی این کار را نکرده معلوم می‌شود مصلحت نمی‌داند، بنابراین من می‌گویم چرا برخلاف آنچه خدا گفته بکوشم؟ خیلی تأیید کردند که این تأیید

ایشان برای همه‌ی آن زحمتی که کشیدم و درس خواندم برایم می‌ارزید. در یک مجلس عمومی همین را تعریف کردند، گفتند نورعلی اینطوری گفته است.

در پاریس بودم برای ما امتحان مهمی بود چون به زبان فرانسه باید یک مطالبی بگوییم چیزی نوشته بود، خیلی از دانش‌آموزان، حتماً شما هم دانش‌آموز که بودید همینطور بودید، فال می‌گیرند که سؤال امتحان چه خواهد بود؟ اتفاقاً یک بار یکی فال گرفت گفت: این را بخوان، گفتم: من همه را می‌خوانم، من نمی‌خواهم از طریق غیرعادی به اسراری پی ببرم، خداوند اگر بخواهد نشان می‌دهد یعنی از این راه گول نخورد به خیال خودش که دارای مقاماتی است، این هم یک نحوه‌ی خاصی است که راه حل زندگی را جلوی آدم می‌گذارد. یک نوع خواب‌ها، خواب‌هایی است که وقتی انسان در شک بین دو چیز است، خواب به کمکش می‌آید. البته اینکه در مورد خواب گفتیم، در افراد معمولی هم ممکن است همین کمک‌ها را در خواب داشته باشند ولی عارف، درویش کسی که یک ارتباطی با یک جایی دارد بیشتر در این مورد است. اینها را به اصطلاح خوابِ جهت‌یاب می‌گویند، نمونه‌های اینها هم

فراوان است، البته ما حالا باز مفصل تر هم خواهیم گفت، ما نباید در مسأله‌ی خواب نه افراط و اغراق بکنیم و نه تفریط. همه چیز را از خواب نبینیم، یک خواب‌هایی هم هست که به هیچ‌کدام از اینها ارتباط ندارد، مربوط به وضع بدن ماست، خیلی‌ها دیده شده خوابی دیده‌اند آن خواب را به دکترشان که گفته‌اند گفته است کبدت خراب است، آزمایش داده‌اند دیده‌اند درست است. مثلاً می‌گویند در خواب چیزهای خونریزی، جنگ و اینها را زیاد ببیند علامت این است که قلبش درست نیست، اینها را نوشته‌اند. چون اینطور خواب‌ها هم زیاد است نباید به هر خوابی اطمینان کرد. منتها آنهایی که تمرکز حواس را دارند و یاد خدا هستند همان تمرکز حواس راه حل است. مثلاً همین مثالی که زدم که راه حل مسأله‌ای را که نتوانستم در دبیرستان حل کنم، در خواب دیدم. آن راه حل را وقتی دیدم فهمیدم. برای اینکه مطابق بود با زندگی من و درس‌هایی که خوانده بودم، پس چرا این درس‌ها را در روز موقع بیداری نتوانستم بفهمم؟ چون در بیداری آن بندها و بست‌هایی که بود جلوی چشم را می‌گرفت. در خواب تمرکزی که انسان پیدا می‌کند از به اصطلاح گرسنگی، تشنگی و اینها یک قدری

راحت می‌شود تمرکزش روی فکر و تجربیاتش را می‌گیرد.

به این طریق است که گفته‌اند یکی موقع قضاوت، یکی موقع خواب خیلی گرسنه نباشید. خیلی تشنه نباشید، به فکر دشمنی با کسی نباشید، چیزهای ناراحت‌کننده را به خاطر نیاورید، به یاد خدا باشید، به یاد خدا یعنی فکرتان را بالاتر از این کره‌ی زمین و خلقت ببرید، ببینید همه‌ی اینها را خدا آفریده، ما یک جزء کوچکی هستیم. در این صورت هم خوابتان راحت تر است و هم در خواب می‌شود گفت اثر هست. این دستوراتی که چه عرفا، چه آقایان غیرعارف، به اصطلاح مُتشرّع گفته‌اند، می‌فهمند ما توجّه به معنا می‌کنیم، اینها می‌گویند این ذکر را مثلاً ۱۵۳ بار بگویید و بخوابید، اثر دارد منتها خیلی کم؛ غیر از آن چیزی است که به معنایش توجّه دارد.

به این طریق گفتم که یک مقداری از خواب‌هایی که می‌بینید می‌توانید خودتان حدس بزنید ولی اگر حدستان ناراحت‌کننده بود غلط است. مسأله‌ی رویا یک بحث خیلی مفصّلی است. در قرآن و داستان‌ها هم که خیلی دیده‌اید. داستان‌هایی که رویا دارد. رویای حضرت یوسف، رویای فرعون، رویای خود پیغمبر که خواب دیدند میمون‌ها از منبرشان بالا می‌روند. رویایی که خداوند وعده داد مگه را فتح می‌کنیم،

مخصوصاً در زمان پیغمبر مثل اینکه به ما ایرانی‌ها بگویند آمریکا را فتح می‌کنیم، خیلی عجیب و غریب است. از این رویاها در قرآن هم در مورد این مسائل تاریخی هست.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.^۱

درباره‌ی خواب چند بار صحبت کردیم یک خواب‌هایی هست که تعبیری ندارد در واقع وضعیت فعلی بدن یا روح را نشان می‌دهد مثل اینکه آزمایش و آزمایشگاه‌ها هست که عکس برمی‌دارند نشان می‌دهد که قلب شما یا ریه‌ی شما خوب است یا نه؟ بعضی خواب‌ها البته خواب مؤمن که به دستورات قبل از خواب و دعا‌های بعد از خواب توجه کند این خوابی به قولی می‌گویند خواب جهت‌یاب که جهت زندگی را نشان می‌دهد نه اینکه هر چه می‌گوید باید بکنید، نه! ولی جهت را به شما نشان می‌دهد. مثال اینکه فرض کنید در آزمایشات، قلب ناراحت است یکی دوا‌ی قلبی می‌دهد و یکی از نفخ معده ناراحت است دوا‌های گوارشی می‌دهد ولی به هر جهت بعضی خواب‌ها هست که نباید توجه کرد. اما اعتیاد یک بیماری و مثل میکروبی است که همه‌ی این حرف‌ها را باطل می‌کند یعنی آدم معتاد تقریباً می‌شود گفت خوابش زیاد پایه‌ای ندارد. مواظب باشید به اعتیاد دچار نشوید و هیچیک از دوستان و نزدیکان شما هم دچار نشوند.

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۹/۴/۱۳۸۸ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

یوسف در زندان؛ آن دو نفر که آمدند و تعبیر خواب خود را خواستند، به یکی گفت: تو آزاد می شوی و فردا می روی همان شغل نزدیک به شاه را خواهی داشت و به او گفت: مرا یادت نرود، به شاه بگویی یوسف بی گناه است. (البته هر مقامی یک وظایفی دارد، ما چنین وظیفه ای نداریم که به این و آن هم هیچی نگوییم. گفته اند مؤمنین باید به هم کمک کنند یعنی اگر یوسف نبود و یک آدم معمولی مثل من و شما بود و این حرف را می زد، خدا بازخواست نمی کرد.) ولی یوسف که امر الهی را دریافت می کند نباید چنین تقاضایی کند.

از او پرسیدند: چه کسی تو را نزد پدر آنقدر عزیز کرد؟ گفت: خداوند. پرسیدند: کیست که به دل برادران تو افکند که تو را دور کنند. گفت: باز هم خداوند. پرسیدند: وقتی خواستند تو را بکشند چه کسی گفت تو را نکشند و در چاه بیندازند؟ گفت: خداوند. پرسیدند: چه کسی بود که تو را از ته چاه در آورد و زنده نگه داشت؟ گفت: خداوند. پرسیدند: چه کسی مصر را وادار کرد خریدار تو باشد؟ گفت: خداوند. پرسیدند که چرا پس در اینجا خدا را فراموش کردی؟ به او گفتی به اربابت بگو. ارباب تو کیست؟

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۹ ه. ش.

ارباب تو منم.

به هرجهت یوسف وقتی تعبیر خواب او را کرد و به آن دیگری گفت فردا تو را به دار می‌زنند و مرغ‌های هوا از سرتو می‌خورند، البته این سابقه نداشت که مرغ‌ها از سرزندانی بخورند و خیلی عجیب و غریب بود. آیه‌ی قرآن دارد وقتی اینها را گفت: *قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ*^۱، آن امری که در مورد آن سؤال کردید قضای الهی برای آن همانطور شد. بعد که این تعبیر خواب را گفتند، شخصی که خوابش را تعبیر اعدام کرده بود گفت: *من اصلاً چنین خوابی ندیده‌ام برای امتحان تو گفتم. یوسف گفت: قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ*، چه گفتمی و چه نگفتمی اثر در کلام من است.

فهرست جزوات قبل

شماره	عنوان	قیمت
۱	گفتارهای عرفانی ^۱ (قسمت اول - دی و بهمن ۱۳۸۶)	مجموعه شماره یک: ۸۰۰۰ تومان (شامل ۱۳ جزوه)
۲	گفتارهای عرفانی (قسمت دوم - بهمن ۱۳۸۶ تا فروردین ۱۳۸۷)	
۳	گفتارهای عرفانی (قسمت سوم - اسفند ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	
۴	گفت وگوهای عرفانی ^۲ (قسمت اول - متن ۶ مصاحبه - تابستان و آذر ۸۶، اردیبهشت، مرداد و آذر ۸۷)	
۵	مکاتیب عرفانی ^۳ (قسمت اول ۷۶-۱۳۷۵)	
۶	استخاره (همراه با سی دی صوتی)	
۷	مقدمه ی روز جهانی درویش	
۸	مکاتیب عرفانی (قسمت دوم ۷۹-۱۳۷۷)	
۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۸۷)	
۱۰	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم - تیر ۱۳۸۷)	مجموعه دو: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)
۱۱	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم - مرداد و شهریور ۱۳۸۷)	
۱۲	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتم - شهریور ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	
۱۳	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	
۱۴	حقوق مالی و عشریه (قسمت اول)	
۱۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتم - مهر ۱۳۸۷)	
۱۶	مکاتیب عرفانی (قسمت سوم ۱۳۸۰)	

۱. گفتارهای عرفانی: بیانات صبح‌های شنبه، یک‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه، جمعه و مناسبت‌ها.

۲. گفت وگوهای عرفانی: مجموعه ی مصاحبه‌ها.

۳. مکاتیب عرفانی: مجموعه ی پاسخ به نامه‌ها.

مجموعه سه: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۱۷	گفتارهای عرفانی (قسمت نهم - مهر ۱۳۸۷)
	۱۸	گفتارهای عرفانی (قسمت دهم - مهر و آبان ۱۳۸۷)
	۱۹	گفتارهای عرفانی (قسمت یازدهم - آبان ۱۳۸۷)
	۲۰	گفتارهای عرفانی (قسمت دوازدهم - آبان و آذر ۱۳۸۷)
	۲۱	گفتارهای عرفانی (قسمت سیزدهم - آذر ۱۳۸۷)
مجموعه چهار: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۲۲	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت اول)
	۲۳	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت اول)
	۲۴	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت اول)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)
	۲۵	مکاتیب عرفانی (قسمت چهارم ۸۱-۱۳۸۰)
مجموعه پنج: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۲۶	گفتارهای عرفانی (قسمت چهاردهم - مردادالی آذر ۱۳۸۷)
	۲۷	گفتارهای عرفانی (قسمت پانزدهم - آذر ۱۳۸۷)
	۲۸	گفتارهای عرفانی (قسمت شانزدهم - آذر و دی ۱۳۸۷)
	۲۹	گفتارهای عرفانی (قسمت هفدهم - دی ۱۳۸۷)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)
مجموعه شش: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۳۰	گفتارهای عرفانی (قسمت هجدهم - دی و بهمن ۱۳۸۷)
	۳۱	گفتارهای عرفانی (قسمت نوزدهم - بهمن ۱۳۸۷)
	۳۲	گفتارهای عرفانی (قسمت بیستم - اسفند ۱۳۸۷)
	۳۳	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و یکم - اسفند ۱۳۸۷)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)
۲۰۰ تومان	-	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران
مجموعه هفت: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۳۴	مکاتیب عرفانی (قسمت پنجم ۸۳-۱۳۸۲)
	۳۵	مکاتیب عرفانی (قسمت ششم ۱۳۸۴)
	۳۶	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت دوم)
	۳۷	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت دوم)
	۳۸	مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت اول)

		مکاتیب عرفانی (قسمت هفتم ۸۷-۱۳۸۴)	۳۹
مجموعه هشتم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت سوّم)	۴۰
		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت چهارم)	۴۱
		شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت دوّم)	۴۲
		مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت دوّم)	۴۳
مجموعه نهم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و دوّم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و سوّم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۵
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و چهارم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و پنجم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۴۷
		شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت ششم)	-
مجموعه ده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و ششم - مرداد ۱۳۸۹)	۴۸
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هفتم - مرداد و شهریور ۱۳۸۹)	۴۹
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هشتم - شهریور ۱۳۸۹)	۵۰
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و نهم - شهریور و مهر ۱۳۸۹)	۵۱
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی ام - مهر ۱۳۸۹)	۵۲
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و یکم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۵۳
مجموعه یازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و دوّم - اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸)	۵۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و سوّم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۵
		گفت و گوهای عرفانی (قسمت دوّم - عرفان در کار اداری - بهار و تابستان ۱۳۸۹)	۵۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و چهارم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۷

	۵۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و پنجم - خرداد و تیر ۱۳۸۸)
مجموعه دوازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۵۹	درباره‌ی حقوق مالی و عشریه (قسمت دوم)
	۶۰	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت دوم)
	۶۱	گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت سوم - سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸)
	۶۲	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت اول)
	۶۳	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت دوم)
مجموعه سیزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۴	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت سوم)
	۶۵	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت چهارم)
	۶۶	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۷	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هفتم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر و مرداد ۱۳۸۸)
	۶۹	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و نهم - مرداد و شهریور ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هفتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هشتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت نهم)
مجموعه چهارده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۷۰	مُلَخَّص گزارشات در مورد عرفان (هدیه نوروزی ۱۳۹۰)
	۷۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم و یکم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۳	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و دوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۴	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و سوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۵	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و چهارم - مهر ۱۳۸۸)
مجموعه پانزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۷۶	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و پنجم - مهر و آبان ۱۳۸۸)
	۷۷	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و هشتم - آبان ۱۳۸۸)
	۷۸	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و هفتم - آبان و آذر ۱۳۸۸)
	۷۹	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و هشتم - آذر ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دهم)
	۸۰	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق)
	۵۰۰ تومان	

مجموعه شانزده:

۱۰۰۰ تومان

(شامل ۱۰ جزوه)

- ۸۱ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت اول)
- ۸۲ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت دوّم)
- ۸۳ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت سوّم)
- ۸۴ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت چهارم)
- ۸۵ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت پنجم)
- ۸۶ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت ششم)
- ۸۷ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هفتم)
- ۸۸ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هشتم)
- ۸۹ گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت نهم)
- شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت یازدهم)

۵۰۰ تومان

مکاتیب عرفانی (اسفند ۱۳۷۵ الی خرداد ۱۳۸۷)

۹۰

مجموعه هفده:

۱۰۰۰ تومان

(شامل ۱۰ جزوه)

- ۹۱ گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم)
- ۹۲ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاهم)
- ۹۳ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و یکم)
- ۹۴ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و دوّم)
- ۹۵ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و سوّم)
- ۹۶ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و چهارم)
- ۹۷ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و پنجم)
- ۹۸ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و ششم)
- ۹۹ گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هفتم)
- شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوازدهم)

۵۰۰ تومان

شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد اول)

۱۰۰

	۱۰۱	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هشتم)	
	۱۰۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و نهم)	
	۱۰۳	گفتارهای عرفانی (قسمت شصتم)	
	۱۰۴	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و یکم)	
	۱۰۵	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و دوّم)	
	۱۰۶	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و سوّم)	
	۱۰۷	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و چهارم)	
	۱۰۸	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و پنجم)	
	۱۰۹	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و ششم)	
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سیزدهم)	
مجموعه هجده:	۱۱۰	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد اوّل)	۵۰۰ تومان
۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۱۱۱	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هفتم)	
	۱۱۲	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هشتم)	
	۱۱۳	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و نهم)	
	۱۱۴	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادم)	
	۱۱۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و یکم)	
	۱۱۶	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و دوّم)	
	۱۱۷	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و سوّم)	
	۱۱۸	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و چهارم)	
	۱۱۹	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و پنجم)	
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهاردهم)	
مجموعه نوزده:	۱۲۰	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد اوّل)	۵۰۰ تومان
۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۱۲۱	درباره‌ی مزار سلطانی بیدخت و شرح زندگی و حالات اقطاب اخیر	۵۰۰ تومان
	۱۲۲	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد دوّم)	۵۰۰ تومان
	۱۲۳	فهرست موضوعی جزوات	۵۰۰ تومان
	۱۲۴	درباره‌ی ذکر و فکر	۵۰۰ تومان

مجموعه بیست: ۵۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و هشتم)	۱۲۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و هفتم)	۱۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و هشتم)	۱۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و نهم)	۱۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادم)	۱۲۹
درباره‌ی بیعت و تشرّف		۱۳۰
مجموعه بیست و یک: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و یکم)	۱۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و دوّم)	۱۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و سوّم)	۱۳۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و چهارم)	۱۳۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و پنجم)	۱۳۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و ششم)	۱۳۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و هفتم)	۱۳۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و هشتم)	۱۳۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتاد و نهم)	۱۳۹
	شرح رساله شریفه پند صالح (قسمت پانزدهم)	-
مجموعه بیست و دو: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نودم)	۱۴۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نود و یکم)	۱۴۱
		۱۴۲
		۱۴۳
	پرسش و پاسخ	۱۴۴
	با گزیده‌هایی از بیانات	۱۴۵
	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	۱۴۶
	(مجدوب علیشاه)	۱۴۷
		۱۴۸
		۱۴۹

۲۰۰ تومان	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد دوم)	۱۵۰
	درباره‌ی دعا (قسمت اول)	۱۵۱
	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت اول)	۱۵۲
	درباره‌ی بیماری و شفا	۱۵۳
		۱۵۴
		۱۵۵
	پرسش و پاسخ	۱۵۶
	با گزیده‌هایی از بیانات	۱۵۷
	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	۱۵۸
	(مجنوب‌علیشاه)	۱۵۹
		-
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت شانزدهم)	
۵۰ تومان	درباره‌ی روح	۱۶۰
۵۰ تومان	درباره‌ی دعا (قسمت دوم)	۱۶۱

مجموعه بیست و سه:
 ۵۰۰ تومان
 (شامل ۱۰ جزوه)